

نشریه ادبیات پایداری
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال هشتم، شماره پانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵
«الطریق الطویل» آینه حماسه و ایستادگی
(علمی - پژوهشی)

زهرا افصلی^۱

چکیده

مقاومت به عنوان راهکاری دفاعی در برابر تعدی و تجاوز، ارزش خاصی در زندگی انسان دارد. این ارزش، توجه شاعران و نویسندگان را در قرون اخیر به خود جلب کرد و سبب شد که مقاومت در آثار ادبی انعکاس یابد و ادبیاتی به نام ادبیات مقاومت یا ادبیات پایداری شکل گیرد. رمان «الطریق الطویل» اثر نجیب الکیلانی، نویسنده معاصر مصری که در این پژوهش مورد بحث و بررسی واقع شده، یکی از بهترین شواهد ادبیات مقاومت است. نویسنده در رمان مذکور اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مصر را در اثنای جنگ جهانی دوم تا زمان خروج استعمار انگلیس از این کشور به تصویر کشیده است. در این برهه، پیامدهای منفی جنگ و استعمار و آثار سوء استبداد و دست‌نشاندهی حکام موجب نابسامانی اوضاع، محرومیت مردم از حقوق خود و نارضایتی آنان گردید و ایشان را در برابر انگلیسی‌ها و حکام دست‌نشانده وادار به مقاومت نمود. مقاومت آنها که به اشکال مختلفی چون شورش، تظاهرات و مبارزه مسلحانه بروز یافت، سرانجام با ایمان، میهن‌دوستی، اصرار و اتحاد آنان به ثمر نشست و با براندازی حکومت دست‌نشانده و بیرون راندن استعمار، استقلال و آزادی را برای کشورشان به ارمغان آورد. با این تفصیل، استنتاج می‌شود که مردم مقاوم مصر در یک بازه زمانی طولانی تحت اهرم فشار دو عامل خارجی (جنگ و استعمار) و عوامل داخلی (استبداد و دست‌نشاندهی حکام) قرار گرفته‌اند؛ از همین‌رو، رنج و مشقت فراوانی را متحمل شده‌اند و به دلیل عدم توجه انگلیسی‌ها و حکام دست‌نشانده به حقوق آنها برای واقعیت بخشیدن به خواسته خود، راهی جز مقاومت نداشته‌اند و اگر روحیه آنان با صفاتی چون ایمان، میهن‌دوستی، اصرار و اتحاد تقویت نمی‌شد، مقاومت آنها به نتیجه مطلوب نمی‌رسید.

واژه‌های کلیدی

ادبیات مقاومت، ملت مصر، رمان معاصر، نجیب الکیلانی، الطریق الطویل.

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا zahra_asha@yahoo.com

۱- مقدمه

مقاومت واکنشی دفاعی در رویارویی با تجاوز است که در سرشت همه موجودات زنده به ودیعه نهاده شده است. انسان که اشرف مخلوقات است مقاومت را هدفمندانه به عنوان راهکاری برای دفع هر گونه تجاوز و رفع موانع مختلف به کار می‌گیرد؛ از همین رو، این راهکار در زندگی انسان اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد و از دیدگاه او یک ارزش تلقی می‌شود. این نگاه ارزشی به مقاومت باعث معطوف شدن توجه شاعران و نویسندگان به این مقوله و انعکاس آن در آثار ادبی گردیده و زمینه را برای ایجاد ادبیات مقاومت یا ادبیات پایداری فراهم نموده است.

ادبیات مقاومت به مفهوم عام آن که بیان‌کننده مبارزات ملت‌ها و ایستادگی آنها در برابر کج‌روی‌هاست، در بیشتر آثار ادبی کلاسیک جهان وجود دارد؛ اما به مفهوم خاص و جدید آن که بر مبنای خاصی پایداری را به تصویر می‌کشد، در قرون اخیر مورد عنایت و اهتمام نویسندگان و متفکران قرار گرفته است. به عقیده برخی، سابقه مباحث نظری جدی در خصوص ادبیات مقاومت با مفهوم خاص آن به دوره بعد از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد. در آن زمان، عده‌ای از متفکران و هنرمندان تحت تأثیر جنگ و نهضت مقاومت به این برداشت رسیدند که باید در تحولات جامعه شرکت فعال داشته باشند. (چهرقانی، arthamadan.ir) طبق نظر دیگری، اصطلاح ادبیات مقاومت در نیمه دوم قرن بیستم و به طور مشخص بعد از جنگ اعراب و اسرائیل (جنگ سال ۱۹۶۷م) رواج یافت. (نجم، www.airssforum.com) همان‌طور که درباره زمان پیدایش اصطلاح ادبیات مقاومت، اختلاف نظر وجود دارد، در خصوص تعریف اصطلاحی آن نیز اظهار نظرهای متفاوت است. براساس تعریفی که برخی صاحب‌نظران ارائه داده‌اند، ادبیات مقاومت «ادبیاتی است که آزموده‌های مبارزاتی یک نسل مقاوم و مبارز را که برای رهایی سرزمین، دین، فرهنگ و سنت‌های خود از چنگال تجاوزگران به حریم ارزش‌های ملی و انسانی به پا خاسته است، برای نسل‌های آینده در بیان فخیم شعری و ادبی ترسیم می‌کند.» (آئینه‌وند، ۱۳۷۰: ۳۴)

طبق تعریف دیگری «معمولاً عنوان ادبیات پایداری به آثاری اطلاق می‌شود که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، غصب قدرت و سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و ... شکل می‌گیرند.» (سنگری، [www. iricap.com](http://www.iricap.com)) بنا به عقیده دیگری «ادبیات پایداری، نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات مادی و معنوی آن‌ها را تهدید می‌کند به‌وجود می‌آید.» (بصیری، ۱۳۸۸: ۲۶) همچنین بنا به قولی دیگر، ادبیات مقاومت «دربردارنده آثار ادبی‌ای است که از لحاظ مضمون و غایت مخاطب خود را به پایداری در برابر دشمن فرا می‌خواند.» (رحمان‌دوست، ۱۳۷۹: ۴۶۵)

مقایسه تعاریف مذکور نشان می‌دهد که آنها در الفاظ و عبارات و شیوه بیان با هم تفاوت دارند؛ بنابراین، روشن می‌شود که هر یک از صاحب‌نظران با در نظر گرفتن برخی از جنبه‌های ادبیات مقاومت به تعریف آن پرداخته‌اند. از مضمون دیدگاه‌های یادشده برمی‌آید که آثار ادبی دارای محتوای مرتبط با این دیدگاه‌ها، آثاری درخور برای بررسی در حوزه ادبیات مقاومت به‌شمار می‌روند؛ از همین‌رو، در ادامه نمونه‌ای از این آثار مورد تفحص و تحقیق قرار می‌گیرد و هدف از انجام این تحقیق آن است که از چگونگی انعکاس مقاومت در نمونه مذکور پرده برداشته‌شود.

۱-۱- بیان مسئله

تحقیقات، حاکی از آن است که ادبیات مقاومت به مفهوم خاص آن در سده‌های اخیر، بیشتر مورد اهتمام ادبای کشورهای مختلف جهان قرار گرفته‌است. نجیب الکیلانی^۱ ادیب و نویسنده معاصر مصری از جمله ادبایی است که در تعدادی از آثار خود ایستادگی ملت مصر را علیه حکام مستبد و صبر و پایداری آنها را در برابر استعمار متجاوز به نمایش گذاشته‌است. رمان «الطریق الطویل» یکی از برجسته‌ترین رمان‌های الکیلانی و یکی از بهترین شواهد ادبیات مقاومت است. در پژوهش حاضر، سعی بر آن است که مقوله مقاومت

در رمان مذکور واکاوی گردد تا مشخص شود که این ادیب مشهور از چه زاویه‌ای به مقاومت نگریسته و چگونه آن را در رمان یادشده به تصویر کشیده است.

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

از آنجا که محتوای رمان الطریق الطویل دربردارنده شواهد قابل توجهی درباره عوامل زمینه‌ساز مقاومت و مصادیق آن است؛ از همین رو ضرورت دارد این رمان به عنوان یک اثر برجسته در حوزه ادبیات مقاومت مورد بررسی واقع شود و اهمیت این بررسی در آن است که گوشه‌ای از مبارزات ملت مصر را در مقابله با ظلم و جور عوامل داخلی و خارجی در برابر دید خواننده قرار خواهد داد.

۱-۳- پیشینه تحقیق

با بررسی به عمل آمده، روشن شد که چندین پژوهش درباره رمان الطریق الطویل انجام شده است که موارد ذیل از آن جمله است.

- بررسی و تحلیل عناصر هنری رمان الطریق الطویل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مه‌ری خیری‌زاده، فارغ‌التحصیل دانشگاه بوعلی سینا همدان.

- جامعه‌شناسی ادبی رمان الطریق الطویل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زینب بیگ بروجنی، فارغ‌التحصیل دانشگاه بوعلی سینا همدان.

- بررسی و تحلیل عنصر درونمایه در رمان الطریق الطویل اثر نجیب الکیلانی. مقاله چاپ‌شده در مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، نگارش زهرا افضلی و مه‌ری خیری‌زاده.

با تحقیقات صورت گرفته مشخص شد که این رمان تاکنون از زاویه ادبیات مقاومت بررسی نشده؛ بنابراین، مقاله حاضر از این زاویه نو و بی‌سابقه است.

۲- بحث

به منظور اطلاع از دیدگاه نجیب الکیلانی درباره موضوع مقاومت و نحوه انعکاس این موضوع در رمان الطریق الطویل ابتدا رمان مذکور معرفی و خلاصه‌ای از آن بیان می‌شود و سپس اهم مسائل مرتبط با مقاومت با استناد به شواهد موجود در رمان، بررسی می‌شود و در پایان، مهمترین نتایج حاصل از بررسی ارائه می‌گردد.

۲-۱- معرفی رمان الطریق الطویل و بیان خلاصه آن

همان‌طور که پیشتر گفته شد، رمان الطریق الطویل یکی از برجسته‌ترین رمان‌های الکیلانی است. الکیلانی این رمان را در زندان نگاشت و با نگارش آن جایزه وزارت آموزش و پرورش را در مسابقات رمان‌نویسی به دست آورد. این رمان، بازتابی از اوضاع نابسامان جامعه مصر از شروع جنگ جهانی دوم تا زمان رهایی این کشور از یوغ استعمار انگلیس است. تعدادی از فصل‌های رمان به مسائل و مشکلات خانواده سلیمان و سعید که قربانی وضعیت حاکم هستند، اختصاص دارد و دیگر فصل‌های آن بیان‌کننده حوادثی است که در نتیجه بی‌کفایتی حکام دست‌نشانده و همدستی آنها با انگلیس در برهه زمانی یادشده رخ می‌دهد. این حوادث، زمینه را برای مقاومت سرسختانه مردم در برابر استعمار و حکام سرسپرده فراهم نموده که سرانجام منجر به براندازی حکومت مزدور و بیرون راندن انگلیس از مصر و محقق شدن استقلال و آزادی می‌گردد.

۲-۲- عوامل بروز مقاومت

طبق بررسی‌ها در رمان الطریق الطویل، هر یک از عوامل خارجی و داخلی در بروز مقاومت ملت مصر نقش عمده‌ای داشته‌اند که به ترتیب توضیح داده می‌شوند.

۲-۲-۱- عوامل خارجی

استعمار انگلیس و جنگ جهانی دوم از مهمترین عوامل خارجی اثرگذار در مقاومت تاریخی ملت مصر به‌شمار می‌روند. نویسنده این دو عامل را ریشه همه بلایا و مشکلاتی

می‌داند که مصری‌ها مدتی طولانی به آن گرفتار شدند، چنانکه در صفحات مختلف رمان و از زبان شخصیت‌ها به این موضوع اشاره کرده‌است. قول شیخ حافظ یکی از شخصیت‌های رمان دربارهٔ جنگ و استعمار مؤید این امر است. «و الشيخ حافظ لايفتأ يقول: الحرب و الانجليز هما أساس البلاء» (الکيلاني، ۱۹۸۸: ۱۳)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود طبق نظر شیخ حافظ در عبارت مذکور جنگ و استعمار، پایه و اساس بلا و مصیبت است.

نظر فرید عموی سلیمان مشابه نظر شیخ حافظ است. او در نامه‌ای خطاب به سلیمان او را از واقعیت‌های موجود همچون: احتکار، حرص و طمع، مادی‌گرایی، خودخواهی و از هم-پاشیدگی آگاه کرده و تأکید نموده که جنگ و استعمار پایه و اساس این مسائل است. «صلّقي... فهذه هي الحقيقة: إحتكار، جشع، مادية طاغية، أنانية، إنحلال و الحرب والاستعمار هما أساس ذلك كله.» (همان: ۹۷)

نویسنده در شواهد یادشده دو واژه جنگ و استعمار را با هم و در یک عبارت ذکر کرده و آن دو را علت‌العلل همهٔ مشکلات دانسته است. در برخی شواهد نیز از این دو عامل به‌طور جداگانه و در یک عبارت مستقل سخن به میان آورده و به بیان پیامدهای منفی آنها پرداخته‌است. نظر سلیمان دربارهٔ جنگ، گواه این مدعاست. او در قولی از فقر، فشار و محرومیت در ایام جنگ یاد کرده. «و أيام الحرب كلها إفلاس و ضيق و حرمان.» (همان: ۹) و در جای دیگری به سخنان مردم دربارهٔ جنگ و آثار آن از قبیل گرانی سرسام‌آور و رکود تجارت پنبه اشاره نموده‌است. «و كان حديث الحرب في كل مكان و لا كلام للناس إلا عن الغلاء الفاحش و القطن الذي بارت تجارته.» (همان: ۶۷)

علاوه بر این، در جای دیگری از جنگ به عنوان سبب وقفه و رکود اوضاع و احوال یاد کرده‌است. «و الحرب هي سبب وقف الحال.» (همان: ۱۰۲)

چنان‌که ملاحظه می‌شود نویسنده در این شواهد مشکلات مختلفی را که مردم مصر در اثنای جنگ جهانی دوم با آن دست به‌گریبان بوده‌اند، به‌تصویر کشیده‌است. در نمونه‌های دیگری نیز به ترسیم عواقب تلخ استعمار انگلیس پرداخته‌است؛ استعماری که زندگی مردم

را مختل کرده و بذر فتنه را بین آنها کاشته است. گفت و گوی شیخ حافظ با پسرش سعید بر این امر دلالت می کند آنجا که می گوید: «الوزر الأكبر یا بنی علی عاتق الاستعمار فهو الذي أفسد حياتنا و بذر بذور الفتنة بين طوائف الشعب.» (همان: ۱۳۵)

استعمار علاوه بر ایجاد اختلال و فتنه انگیزی، مشکلات دیگری از قبیل بدبختی، گرسنگی، محرومیت و مصیبت را برای مصریان رقم زده و زمینه را برای مقابله و استعمارستیزی فراهم ساخته است. قول سلیمان، مؤید این مدعاست. «و حرب لا تمداً مع هولاء الانجليز لا بد و انهم أساس الشقاء و مصدر الجوع و الحرمان و كل المصائب.» (همان: ۱۷)

به طور کلی، استعمار انگلیس مانند یک بیماری مصر را فراگرفته بود و این بیماری، عوارض زیادی همچون فساد سیاسی، ظلم اجتماعی، رشوه، پارتی بازی و انحراف را از خود بر جای نهاده بود تا جائی که مبارزانی چون سعید را به خشم آورده و زمینه را برای گرفتن انتقام از انگلیس فراهم نموده بود. عبارات زیر از این مسائل پرده برمی دارد. «و ضغط سعید بأسنانه و قال: لا بد أن نثار من هولاء الأوغاد. ما أكثر الأشياء التي كان سعید يريد أن يثار لها... الحياة السياسية الفاسدة، الظلم الاجتماعي، الرشوة، المحسوبيات، الانحلال، لأن كل هذه الأشياء أعراض لمرض واحد هو الاستعمار.» (همان: ۲۷۰)

چنانکه از این شواهد برمی آید، آثار سوء استعمار به اشکال مختلف در همه جوانب زندگی ملت مصر بروز یافته و حس انتقام جویی را در آنان برانگیخته و بستر ساز مقاومت و مبارزه با استعمار گردیده است.

۲-۲-۲- عوامل داخلی

پیامدهای منفی جنگ و استعمار که کشور مصر را با انواع مشکلات درگیر ساخت و ملت مصر را به ایستادگی و مبارزه واداشت، از سوی دولت های بیگانه همچون انگلیس به این کشور تحمیل شد. علاوه بر این دو عامل خارجی، عوامل داخلی نیز تأثیر فراوانی در ایجاد مشکلات و دعوت ملت مصر به پایداری و مقاومت گذاشت که بارزترین این عوامل عبارتند از:

۲-۲-۱- استبداد

نویسنده در این رمان به توصیف وضعیت سیاسی و امور حکومتی مصر پرداخته و خودکامگی سیاستمداران و استبداد حاکم بر این کشور را به تصویر می‌کشد. او این استبداد را با تعابیر مختلف در لابه‌لای گفت‌وگوی شخصیت‌ها و اظهارنظر آنان تشریح می‌کند. چنان‌که در گفت‌وگوی بین سلیمان و پدرش از اداره امور کشور به وسیله پادشاه طبق میل و خواسته خود و با مساعدت و حمایت مالکان و سرمایه‌داران سخن به میان آورده است. «بالتبع یا والدي ان بلادنا يصرف الملك أمرها حسب هواه يعاونه في ذلك حفنة من ذوي الأملاك و الأموال الضخمة.» (همان: ۲۵۵)

همچنین در عبارات دیگری در گفت‌وگوی بین شیخ حافظ و دوستش ضمن اشاره به نبودن دموکراسی و مردم‌سالاری از نظام فتودالی و ارباب - رعیتی در سراسر مصر پرده برداشته است. «و يلع الشيخ حافظ ريقه و يجفف عرقه ثم يقول: أين هي الديمقراطية؟ يا حبيبي البلد كلها إقطاع وسادة و عبید.» (همان: ۶۹)

مضمون عبارات یادشده حاکی از حاکمیت رژیم سلطنتی در کشور مصر است که بر اساس آن پادشاه برای اداره مملکت اختیار تام دارد و جز هواداران او از قبیل فتودال‌ها (تیولداران) و مالکان بزرگ، عامه مردم در مسائل مربوط به حکومت هیچ اختیاری ندارند؛ از همین رو، هیئت حاکم با وجود مخالفت مردم حکمرانی می‌کند و پشتوانه مردمی نیز ندارد؛ زیرا مردم در به قدرت رسیدن آن نقشی ندارند. گفت‌وگوی سلیمان و عمویش فرید نیز این مسائل را تأیید می‌کند.

«أظن أن الشعب هو الذي يحكم الآن. مهلا يا سليمان فإن الشعب لا يحكم. ألا تعلم أن الحكومة التي تراها اليوم تحكم رغم أنفي و أنفك إذ لم تسندها أغلبية و لم يأت بها الشعب.» (همان: ۲۰۶ - ۲۰۵)

با تأمل در این شواهد می‌توان دریافت که به دلیل فقدان دموکراسی و عدم برخورداری مردم مصر از حق رأی واقعی در انتخاب مسئولان حکومتی، حکومت در این کشور بر پایه قدرت نامحدود و بی‌قید و شرط حاکمان استوار گردیده‌است و با این تفاسیر، سیاست

مفهومی جز استبداد و دیکتاتوری نداشته‌است. قول سلیمان خطاب به عمویش فرید بیان-کننده این مسئله است، آنجا که می‌گوید: «و السیاسة لم تعد إلا مدلولا علی الاستبداد.» (همان: ۲۲۴)

چنان‌که ملاحظه می‌شود در این شاهد به سیاست استبدادی تصریح شده‌است. هر یک از موارد فوق‌الذکر نیز در بردارنده همین مضمون می‌باشند. با توجه به مجموعه شواهد، این نتیجه حاصل می‌شود که مردمی نبودن حکومت و خفقان ناشی از استبداد، اسباب نارضایتی مردم را فراهم‌نموده و بذر مقاومت و ایستادگی را برای مقابله با این وضعیت در وجود آنها کاشته‌است.

۲-۲-۲-۲- دست‌نشاندهای حکام

دومین عامل داخلی که مصریان را برای مقاومت تحریک نمود دست‌نشاندهای سیاستمداران مصری‌است. نویسنده در برخی عبارات رمان به تبیین این موضوع پرداخته‌است؛ همان‌طور که در گفت‌وگوی بین شیخ حافظ و سلیمان از پادشاه به عنوان مانعی رفع‌ناشدنی در راه استقلال و آزادی یاد کرده و تأکید می‌کند که او به‌جای دادن حقوق قانونی مردم از انگلیسی‌ها علیه آنها کمک طلبیده و چون ورقی سودآور در اختیار ایشان قرار گرفته‌است. «ثم انحنى الشيخ حافظ نحوي و همس في أذني قائلا: في الحقيقة أن الملك هو الآخر عقبه كؤود في سبيل حریتنا و بدلا من إعطائه حقوق الشعب الدستورية استعان بالانجليز عليه و صار ورقة راجحة في أيدیهم.» (همان: ۲۴۳-۲۴۲)

مضمون قول یادشده حاکی از اقدام به اعمال خصمانه علیه مردم با توسل جستن به انگلیسی‌ها و تأمین منافع آنها از سوی دستگاه حکومتی‌است که چنین عملکردی، مفهومی جز مزدوری و دست‌نشاندهی ندارد. دست‌نشاندهی سیاستمداران سبب شده که آنها برای هرگونه تصمیم‌گیری طبق خواسته انگلیسی‌ها عمل کنند، در غیر این صورت، بقای حکومت و تداوم آن از طرف انگلیسی‌ها در معرض خطر قرار می‌گیرد. گفت‌وگوی بین سلیمان و عمویش فرید درباره ممانعت هیئت حاکم از خرید سلاح‌های غیرانگلیسی و

منحصراً خرید سلاح به دولت انگلیس به دلیل درخطر افتادن حکومت گواه این مدعاست:

- «- من أين يجيء السلاح لجيشنا و للجيش العربية.
 - من إنجلترا طبعاً.
 - فلنشتري السلاح من أي دولة أخرى.
 - يوم أن يحدث هذا فنتق أنك قد أصبحت حراً فعلاً.
 - عجباً ما الذي يمنع الحكومة من ذلك؟
 - لأن في ذلك مقامة ببقائها في الحكم و خطراً على سيد البلاد مولانا صاحب الجلالة يا سليمان.»
- (همان: ۲۰۱)

از شواهد مذکور استنباط می‌شود که جلب رضایت انگلیسی‌ها مهمترین عامل پابرجا ماندن حکومت مصری بوده است، نه جلب رضایت مردم و توجه به حقوق آنها؛ بنابراین، هیئت حاکم برای راضی نگه داشتن انگلیسی‌ها در راستای حفظ حکومت به هر عملی اگرچه به ضرر مردم و برخلاف میل و اراده آنها بود، مبادرت می‌ورزید؛ چنانکه در جنگ فلسطین و اسرائیل برخلاف حماسه آفرینی جوانان برای مقابله با اسرائیل متجاوز با انگلیس همدست شده و در یک جبهه در برابر مردم ایستاد. قول سلیمان مبین این موضوع است. «ما مصر هذه الطاقة القوية التي في صدور الشباب؟ و هل هم يؤمنون حقاً بانّ الزعماء و الملك و الاستعمار جبهة واحدة ضد إرادة الشعب.» (همان: ۲۰۲)

همسو شدن حکومت با بیگانگان به معنای خیانت به مردم و تضییع حقوق آنهاست و همین عامل در کنار عوامل دیگر آنها را وادار کرد که صبر و پایداری پیشه کرده و برای دستیابی به حقوق خود پافشاری کنند؛ اگرچه می‌دانستند پادشاه از پشت به آنها خنجر می‌زند. در قول فرید عموی سلیمان به این مسئله اشاره شده است. «فالشعب يفهم أنّ الملك قد يطعنه من الخلف و مع ذلك فهو يسير في إصرار لينال حقوقه.» (همان: ۲۶۸)

با توجه به مطالبی که درباره استبداد و دست‌نشاندهی حکام بیان شد، روشن می‌شود که تأثیرات سوء این دو عامل داخلی همچون عوامل خارجی (جنگ و استعمار) مردم را در تنگنا قرار داد و راه را برای مقاومت هموار کرد.

۲-۳- مصادیق مقاومت

همان‌طور که قبلاً بیان شد، آثار زیان‌بار جنگ و استعمار در کنار استبداد و دست‌نشاندهی حکام با ایجاد مشکلات متعدد ملت مصر را دچار بحران کرد. ملت مصر برای برون‌رفت از این بحران راهی جز دستیابی به آزادی و استقلال نداشت؛ از همین‌رو، برای واقعیت‌بخشیدن به این امر از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرد و هر فرصتی را پیگیری می‌کرد. دوره پس از جنگ جهانی دوم، فرصت مناسبی را برای تحریک مصریان به منظور عملی کردن خواسته خود فراهم ساخت؛ زیرا انگلیس برای قدردانی از ملت‌های مستعمره در قبال کمک‌های جانی و مالی به این کشور وعده داده بود که آزادی و استقلال را به آنان اعطا نماید. قول سلیمان شاهد این مدعاست. «و كان الانجليز يبذلون الوعود للأمم المستعمرة و يعاهدونها على إعطائها الحرية و الاستقلال تقديرا لما قدموه للانجليز من عون في الرجال و المواد الخام و المئون.» (همان: ۱۰۳)

اگرچه انگلیس در خلال جنگ، مردم مصر را با این وعده‌ها امیدوار کرد؛ اما پس از اتمام جنگ به گونه دیگری عمل نمود. گفت‌وگوی سلیمان و سعید بیان‌کننده این عملکرد است.

«- لقد انتصر الحلفاء و إنتهى الأمر... المهم عندنا هو هذا السؤال هل ستضيع أصوات الأمم الضعيفة في خضم أغاني النصر؟

- إنَّ أبي لا يثق في الانجليز مطلقا و يؤكد أنهم ليسوا أهلا للصدقة و الصدق و تقديرا لإرادة الشعوب و حرياتهما.

- أ تكون إذا تلك المؤتمرات مجرد التنوير؟

- هذا ما أعتقده أو يعتقد أبي.

- إذا سنظل أسرى لأعنة الاستعمار الغربي حقبة أخرى.

- و سنبداً ثورات و مظاهرات و إراقة دماء» (همان: ۱۲۶)

در عبارات فوق به پایان یافتن جنگ با پیروزی متفقین و نابود شدن فریاد حق طلبی ملت‌های ستمدیده در هیاهوی پیروزی اشاره شده و از بی‌اعتمادی به انگلیسی‌ها و عدم شایستگی آنها در صداقت و احترام به اراده ملت‌ها سخن به میان آمده و تأکید شده که وعده‌های دروغین آنها در کنفرانس‌ها، فریب محض است که نتیجه‌ای جز اسارت در چنگال استعمار ندارد و برای رهایی از آن راهی جز شورش، تظاهرات و خونریزی نیست. چنانکه از مضمون این عبارات برمی‌آید فریبکاری انگلیس پس از جنگ جهانی دوم کاملاً برای ملت مصر محرز گردید و آنها را برای به‌نمایش گذاشتن صحنه‌های مقاومت مصمم ساخت. این مقاومت بی‌نظیر به اشکال مختلفی بروز یافت که بارزترین مصادیق آن عبارتند از: شورش، تظاهرات و مبارزه مسلحانه. عبارت اخیر در گفت و گوی مذکور (بین سلیمان و سعید) مؤید این قول است. اینک هر یک از موارد یادشده در ادامه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۳-۱- شورش

مقاومت ملت مصر در مراحل نخستین به شکل شورش تجلی یافت. دروغ‌گویی انگلیسی‌ها و پیمان‌شکنی آنها موجبات بحث و جدل سیاسی را در میان دانش‌آموزان دبیرستانی فراهم کرد و آنها را برای طرد انگلیسی‌ها برانگیخت و با کف‌زدن و شعار دادن علیه استعمار و وابستگانش (حکام دست‌نشانده) به شورش واداشت. عبارات ذیل از زبان سلیمان بیان‌کننده این مسائل است. «عندما ذهبت إلى المدرسة وجدت الطلبة منهمکین في المناقشات السياسية. قد احتدم الجدل بینهم و قال أحدهم:

- کذبوا علينا و قالوا ستنالون استقلالکم بعد الحرب.

- یا أستاذ، الانجلیز لم یظهروا لنا طول تاریخهم الطویل معنا إلا الکذب و نقض الوعود.

- لن نجعلهم یشعروا بالراحة و الاستقرار في بلادنا حتی یجدوا أنه لا مفر من التسليم.

وعلی هذا النمط دار الجدل الصاحب و ما إن صلصل الجرس حتی علا التصفيق والهناف.

و صاح صائح:

الجللاء بالدماء...

یسقط الاستعمار و أذنا به. (همان: ۱۶۲ - ۱۶۰)

تنها دانش آموزان دبیرستانی در به پا کردن شورش نقش نداشتند؛ بلکه سایر اقشار نیز با آنها هم‌نوا شدند و به این امر، مبادرت ورزیدند؛ زیرا احساس شورش و انزجار از اوضاع فاسد جانها را پر کرده بود. قول سلیمان، گواه این مدعاست: «فشعور الثورة و النقمة علی الأوضاع الفاسدة قد ملأ النفوس». (همان: ۱۷۳) چنانکه در کلام سلیمان آمده همه مردم قربانی استعمار بودند؛ از همین رو، شورش بر ضد انگلیسی‌ها و وابستگان آنها را با تمام قوا وظیفه خود می‌دانستند. «فیجب أن نثور، نثور بكل قوة، فکلنا ضحایا و نثور ضد الانجلیز و ضد من ینتمون إلیهم». (همان: ۲۰۲) مردم برای ادای این وظیفه در پی هر فرصتی بودند و از هیچ کس و هیچ چیز هراسی نداشتند. قول سلیمان درباره شورش آنها در برابر انگلیسی‌ها پس از توطئه چینی جهت تقسیم شدن فلسطین یکی از شواهد بارز این مدعاست. «فماذا یعمل الانجلیز الآن؟ إن الشعب ثائر متمرّد». (همان: ۲۰۴)

با تأمل در مضامین شواهد مذکور می‌توان دریافت که ملت مصر برای ابراز نارضایتی از عملکرد انگلیسی‌ها و خلف وعده آنها در تحقق آزادی و استقلال دست به شورش زده و اعتراض خود را به این شیوه و بدون هیچ خوف و ترسی به استعمارگران و دست‌نشانندگان آنان اعلام کردند.

۲-۳-۲- تظاهرات

تظاهرات دومین مصداق مقاومت مصریان و جلوه دیگری از حماسه و ایستادگی آنها در برابر استعمار انگلیس و حامیان مزدور آن است. ملت مقاوم مصر برای اظهار خشم و نفرت از رفتار انگلیسی‌ها و دست‌نشانندگان آنها به شورش و اعتصاب اکتفا نکرد؛ بلکه از این فراتر رفته و با برپایی راهپیمایی و تظاهرات مخالفت خود را با وضع موجود اعلام نمود. تظاهرات دانش آموزان دبیرستانی که منجر به مداخله پلیس و بازداشت تعدادی از آنها شد یکی از این نمونه‌هاست. علت برپایی این تظاهرات خودداری انگلیس از تحقق استقلال و

آزادی مصر پس از جنگ جهانی بود که ابتدا باعث شورش دانش‌آموزان در مدرسه شد (پیشتر درباره آن توضیحاتی ارائه گردید) و سپس آنها را روانه خیابان کرد. سلیمان با عبارات ذیل به توصیف این تظاهرات پرداخته است. «وعادت الحرارة و الاشتعال إلى جموع الطلبة من جديد وكانوا مصرين على الخروج إلى الشارع و التظاهر العلني. لم نكد نرح المدرسة و نسير في الشارع مسافة قصيرة حتى ظهرت عربات الشرطة و نزل منها الجنود حاولوا التفاهم مع زعماء المظاهرة لكن دون جدوى و في لحظات كنا نجري في كل إتجاه استطاعوا أن يقبضوا على بعض منا.» (همان: ۱۶۶)

سیل خروشان تظاهرات ملت مصر با تهدید پلیس در این اماکن فروکش نکرد؛ بلکه به مناطق دیگری کشیده شده و سراسر کشور را فراگرفت. گفت و گوی سلیمان و دوستش فخری گواه این ادعاست.

«أ تعلم أن هذا اليوم يستحق مظاهرة ضخمة في الشوارع.

– لماذا؟

فقال الفخرى على الاثر: ألا تعلم لماذا؟ لقد وقعت الحكومة الهدنة مع اليهود بصفة نهائية. و كان قيام المظاهرات في هذا اليوم أمرا مستبعدا إذ أنه من المحتمل أن يطرب الجميع للسلام الذي سيسود، لكن الشعب كثيرا ما لا تنطلي عليه مثل هذه الدعاوات و المزايم، فللشعب حاسة عجيبة يدرك بها خافية الأمر و لم يكن هناك دليل على صدق ما أقول غير المظاهرة الكبرى التي حدثت في مدرستنا و في غيرها في شتى أنحاء البلاد.» (همان: ۲۲۹-۲۲۸)

چنان که ملاحظه می شود در گفت و گوی حاضر، فخری درباره لزوم برپایی تظاهراتی عظیم به دلیل پذیرش آتش بس به وسیله حکومت (در جنگ اعراب و اسرائیل) با سلیمان سخن می گوید. سلیمان اگرچه ابتدا برپایی تظاهرات را به علت خوشحالی احتمالی مردم برای حکم فرما شدن صلح و آرامش امری بعید می داند؛ اما سپس تصریح می کند که مردم فریب چنین تبلیغات و ادعاهایی را نمی خورند؛ زیرا آنها حس عجیبی دارند که با آن متوجه سر و راز امور می شوند. (به عواقب آتش بس که منجر به نابودی فلسطین می شود، پی می برند.) او برای تأیید گفته خود دلیل آورده و به تظاهرات گسترده ای اشاره می کند که در اعتراض به آتش بس در مناطق مختلف کشور رخ داد.

مطالب مذکور در این بخش حاکی از شدت یافتن مخالفت مردم با استعمار و حکومت و وسیع تر شدن دامنه اعتراضات آنها نسبت به مرحله قبل (شورش) است که ایشان را برای رسیدن به استقلال و آزادی مصمم تر ساخت.

۲-۳-۳- مبارزه مسلحانه

مردم مصر ندای آزادی خواهی و استقلال طلبی خود را ابتدا با شورش و سپس با تظاهرات به گوش انگلیسی ها و حاکمان مزدور رساندند و امیدوار بودند که آنها به ندایشان لیبیک گویند؛ اما این امر محقق نشد و بار دیگر، مردم را وادار به ایستادگی و مقاومت نمود. مقاومت در این مرحله به شکل برخورد نظامی و مبارزه مسلحانه متبلور شد. سلیمان، برخی از صحنه های برخورد مسلحانه را با تعابیر زیر، این گونه به تصویر کشیده است.

«و جاءت حكومة الأغلبية و أمل الجميع أن تستجيب لرغبات الأمة و تكون الممثل الحقيقي لرغبتها في التحرر الكامل و الاستقلال التام. و ابتدأت سلسلة جديدة من المحادثات و المفاوضات، فلم يطق الشعب هذه المظاهر التي ملها من كثرة تكرارها و خرجت الأفواج ثائرة هادرة مطالبة بإلغاء معاهدة ۱۹۳۶ و إباحة حمل السلاح و تشجيع حركة المقاومة الشعبية في القنال.» (همان: ۲۶۷)

مضمون عبارات یادشده بیان کننده روی کار آمدن حکومت اکثریت و امیدواری مردم به تحقق آزادی و استقلال به وسیله حکومت جدید است. اگرچه دور تازه ای از مذاکرات (برای رسیدگی به خواسته مردم) شروع می شود؛ اما صبر آنها به دلیل خسته شدن از کثرت مذاکرات تکراری لبریز شده و آنها خشمناک و خروشان قیام می کنند؛ در حالی که خواستار لغو معاهده (۱۹۳۶م) و مجاز کردن حمل اسلحه و پشتیبانی جنبش مقاومت ملی در کانال سوئز هستند.

اگرچه انگلیسی ها با زور و تهدید و ارباب، مانع حرکت امواج پرتلاطم مبارزه ملت مصر می شوند؛ اما این امواج پس از اندک زمانی مجدداً به خروش می آید و با تجاوز سه کشور انگلیس، فرانسه و اسرائیل به مصر در اکتبر سال (۱۹۵۶م) به اوج می رسد. این تجاوز که همه را به حیرت و تعجب وامی دارد، به نبردی سخت و بی امان تبدیل شده و افراد نظامی از قبیل گردان های داوطلب و گارد ملی و نیز افراد غیرنظامی را مسلح روانه خیابان می کند.

کلام سلیمان پس از ورود به دانشکده، شاهد این مدعاست. «ذهبت إلى الكلية يوم ۳۰ أكتوبر عام ۱۹۵۶. كان الجميع ذاهلين مشدوهين لم نكن نتوقع مثل هذا الغدر و الهجوم الوقح الذي قامت به إنجلترا و فرنسا و إسرائيل مشتركين. كانت المعركة حامية الوطيس و كانت كتائب المتطوعين و الحرس الوطني و أفراد الشعب يتدفقون في الشوارع حاملين السلاح.» (همان: ۳۱۱-۳۰۹)

و آنها برای دستیابی به حق و آزادی در منطقه پورت سعید چنان به پیکار با دشمن می‌پردازند که باعث می‌شود این منطقه در نبردی ماندگار فرورفته و این نبرد به عنوان نبردی بی‌نظیر و با عظمت در تاریخ ثبت گردد. قول سلیمان به این مسئله شهادت می‌دهد. «و أصبح جليلا لي أن بور سعيد تخوض أتون معركة خالدة، إن معركة بور سعيد علم وحدها معركة فريدة رائعة في تاريخ وطننا.» (همان: ۳۱۴)

مطالب بررسی شده در این قسمت، بیان‌کننده به‌پایان رسیدن صبر و تحمل مردم در ستیز با ظلم و به‌اوج رسیدن مقاومت آنها در برابر ظالم است که به خیزشی عظیم و همه‌جانبه منجر شده و آنها را به میدان کارزار کشاند و رهایی کامل را برایشان به ارمغان آورد.

۲- ۴- دستاوردها و ثمره‌های مقاومت

بذر مقاومت به وسیله عوامل داخلی و خارجی کاشته‌شد و رفته‌رفته تبدیل به نهال و سپس درخت تنومندی گردید که سرانجام بعد از سال‌های متمادی به‌ثمر نشست. خداحافظی ملک فاروق با تخت پادشاهی و ترک مصر در روز ۲۶ ژوئیه سال (۱۹۵۲م) اولین ثمره این درخت بود. این رخداد غافلگیرکننده چنان مردم را به‌شگفت آورد که هرگز در باور آنها نمی‌گنجید چنین اتفاقی در یک شبانه‌روز رخ دهد و همه جلال و عظمت و هستی تبدیل به هیچ شود. سلیمان این رخداد را با تعابیر زیر به‌تصویر کشیده‌است.

«عام ۱۹۵۲ المفاجأة الكبرى و هي فاروق يرحل خارج البلاد في تمام السادسة مساء يوم ۲۶ يوليو. الناس بين مصدق و مكذب هذا لايمكن أن يحدث بين يوم و ليلة. المجد و الدنيا. كل هذا أصبح لاشيء. يا للعجب.» (همان: ۲۹۸)

با رفتن فاروق، استعمار پایگاه حمایتی خود را در داخل مصر از دست می‌دهد و سبب می‌شود که درخت مقاومت بار دیگر به ثمر نشیند و نیروهای انگلیسی به موجب قرارداد (۱۹۵۴م) با ذلت و خواری و در برابر پافشاری مردم و تمسک آن‌ها به حقوقشان مصر را ترک گویند. قول سلیمان مؤید این مسئله است. «تم جلاء القوات البریطانیة عن مصر بمقتضى إتفاقية ۱۹۵۴. لقد خرجوا صاغرين أمام إصرارنا و استمساكنا بحقوقنا.» (همان: ۳۰۰)

با خروج استعمار رؤیای اداره مصر توسط مصریان تحقق می‌یابد. کلام فرید عموی سلیمان شاهد این مدعاست. «هذه أوّل مرة يحكم مصر مصريون دما و نشأة. إته حلم تحقّق.» (همان: ۳۰۰)

و به تعبیر دیگر، استقلال و آزادی که شیرین‌ترین میوه درخت مقاومت است بر شاخه‌های آن هویدامی‌شود. این دستاورد عظیم پس از سال‌های طولانی جهاد و مبارزه حاصل می‌گردد و حفظ و پاسداری از آن برای مردم مصر آن قدر اهمیت دارد که به هیچ قیمتی حاضر به از دست دادن آن نمی‌شوند.

۲-۵- ویژگی‌های پایمردان

چنان‌که اشاره کردیم، مقاومت ملت مصر دستاوردهای عظیمی در پی داشت. حصول این دستاوردها مرهون ویژگی‌های پایمردان دلیری بود که سبب شد آنها در راه رسیدن به هدف هرگز دچار ضعف و سستی نشوند. بارزترین ویژگی‌هایی که نویسنده در رمان از آن‌ها سخن به میان آورده است عبارتند از:

۲-۵-۱- ایمان

ایمان به خدا و تکیه به او اولین مشخصه مصریان پایدار است. آنها برای وارد شدن به میدان مبارزه به سلاح‌های پیشرفته مسلح نبودند؛ بلکه با سلاح‌های پیش‌پافتاده و زنگار گرفته پای در رکاب نهادند و ایمان راسخ، تنها سلاحی بود که به آن افتخار می‌کردند. قول سلیمان درباره چگونگی پیوستن سعید به جمع مبارزان و توصیف سلاح آنان شاهد این مدعاست. «و انطلق سعید بخلته الصفراء و حقیته فی یده لیلحق بالجموع الذاهبة إلى الموت، أعني الحياة.»

الجموع التي لا تحمّل من السلاح إلا التافه الصدىء و لا تفخر إلا بما في قلبها من إيمان و طيد.» (همان: ۲۷۱) و پیوسته پیروز میدان بودند، اگرچه راه طولانی و مبارزه شدید بود؛ زیرا به خداوند متعال ایمان داشتند و اراده آنها نیز از اراده خداوند نشأت می گرفت. قول فرید خطاب به سلیمان بر این امر دلالت می کند.

«خذها عقيدة يا سليمان الشعب هو الفائر دائما مهما طال الطريق و زاد الصراع. إن إرادة الشعب المؤمن من إرادة الله.» (همان: ۲۶۹)

مضمون شواهد یادشده حاکی از این است که مبارزان مصری، پشتوانه‌ای اعتقادی و معنوی محکم داشتند و این پشتوانه موجب تقویت روحیه و تحکیم اراده آنها برای پیمودن راه پرفراز و نشیب مبارزه گردید و در نهایت پیروزی را برای آنها رقم زد.

۲-۵-۲- میهن دوستی

میهن دوستی، دومین ویژگی‌ای است که ملت مقاوم مصر به آن متصف هستند. عشق به وطن از نظر آنان جزئی از ایمان است. قول سعید، انقلابی‌جان برکف مؤید این مسئله است. «إن حب الوطن من الإيمان.» (همان: ۱۳۴)

وطن برای آنها تا حدی دوست داشتنی است که به خاطر رهایی آن از چنگال استعمار حاضرند جان خود را فدا کنند. کلام سلیمان در به تصویر کشیدن برخی از صحنه‌های شورش دانش‌آموزان گواه این ادعاست. «فهتف زعيم الطلبة في إصرار و حماس. بالدماء تحرر الأوطان... أرواحنا فداء مصر...» (همان: ۱۶۴) چنان‌که از این شواهد برمی آید، وطن از نگاه مبارزان مصری، ارزش و اهمیت بسزایی دارد به گونه‌ای که آن را گرانمایه‌تر از جان و عشق ورزیدن به آن را معادل با ایمان می دانند؛ از همین رو، با جانفشانی و فداکاری برای بیرون راندن استعمار سینه سپر کرده تا آزادی را برای وطنشان به ارمغان آورند.

۲-۵-۳- اصرار

اصرار، سومین خصیصه پایمردان مصری است. این ویژگی سبب شد که هرگز صحنه را خالی نکنند و تا تحقق خواسته خود راه را ادامه دهند. قول فرید درباره اصرار مردم جهت

رسیدن به حقوقشان با وجود خیانت پادشاه (دست‌نشانده‌گی او) شاهدی برای این مدعاست. «فالشعب یفهم أن الملك قد یطعنه من الخلف و مع ذلك فهو یسیر فی إصرار لینال حقوقه.» (همان: ۲۶۹ - ۲۶۸) همچنین کلام سلیمان درباره خروج انگلیسی‌ها از مصر در پی اصرار و پافشاری آنها بر حقوقشان شاهد دیگری است که این موضوع را تأیید می‌کند. «تم جلاء القوات البريطانية من مصر، لقد خرجوا صاغرين أمام إصرارنا و استمساکنا بحقوقنا.» (همان: ۳۰۰) با تأمل در این شواهد می‌توان دریافت که ملت مقاوم مصر، قاطعانه و سرسختانه برای رسیدن به حقوق خود به مقابله و مبارزه با حکومت دست‌نشانده و استعمار برخاست و تا اطمینان از حصول نتیجه همچنان بر خواسته‌اش پای فشرد.

۲- ۵- ۴- اتحاد

اتحاد و همبستگی، چهارمین صفت مصریان مقاوم است. آنها معتقدند که با همبستگی و اتحاد می‌توانند استعمار را از کشورشان بیرون برانند. قول فرید خطاب به سلیمان مؤید این امر است. «و أوكد لك أن الاستعمار عندما یرانا کتلة واحدة متماسكة سیحمل عصاه و یرحل.» (همان: ۲۹۹) سرانجام این اتحاد تحقق می‌یابد و اقشار گوناگون ملت مبارز مصر برای رهایی از یوغ استعمار روانه میدان کارزار می‌شوند. سلیمان که از نزدیک شاهد صحنه است این گونه به توصیف آن می‌پردازد.

«و کنت أنظر خلف الضابط سعید حافظ فأری عجا... خلیط من الغلمان و الشباب و الکحول فیهم الطالب و الموظف و الجندي و الضابط و بعض الفتیات.» (همان: ۳۱۳)

چنانکه در این عبارت ملاحظه می‌شود گروه‌های مختلف مردم مصر اعم از پیر و جوان، دانشجو، کارمند، سرباز، افسر، زن و مرد با مشارکت همه‌جانبه خود سلیمان را به شگفتی واداشته‌اند. شواهد مذکور گویای این مطلب است که ملت مصر به اهمیت اتحاد در فائق آمدن بر استعمار پی برد؛ بنابراین، تبدیل به «ید واحد» شد و توانست فاتح و سربلند از صحنه نبرد بیرون بیاید. بر اساس آنچه درباره ویژگی‌های پایمردان بیان شد، می‌توان استنباط کرد که هر یک از ویژگی‌های مذکور نقش عمده‌ای در به نتیجه رسیدن مقاومت

ملت مصر ایفا کرده‌اند. ایمان، باعث ایجاد حس توانمندی معنوی در مبارزان شد، میهن دوستی آنها را برای حفظ وطن تحریک نمود، اصرار ایشان را در تصمیم خود پابرجا و استوار ساخت و اتحاد حس حمایت همگانی و پشتیبانی جمعی را در آنان تقویت کرد و مجموعه این صفات در کنار هم موجب به ثمرنشتن درخت مقاومت گردید.

۳- نتیجه گیری

این پژوهش، نتایجی را دربرداشت که اهم آن‌ها عبارتند از:

- پیامدهای دو عامل خارجی (جنگ و استعمار) و داخلی (استبداد و دست‌نشاندهی حکام) علاوه بر محروم نمودن مردم مصر از حقوق خود، مشکلات متعددی را برای آنها در پی داشت؛ بنابراین روشن می‌شود که مردم به علت تحمل فشار از طرف دو عامل در داخل و خارج کشور شرایط بسیار سخت و ناگواری را در آن برهه پشت سر نهاده‌اند و راه مقاومت را با رنج و مشقت فراوان پیموده‌اند، افزون بر این که طولانی بودن برهه نیز مشقت را برای آن‌ها دوچندان نموده‌است. نام‌گذاری رمان با عنوان «الطریق الطویل» و تفسیر آن در برخی صفحات با عباراتی همچون «طریق وعر» و «طریق شاق» مهر تأییدی بر این مدعاست.

- ملت مصر صدای اعتراض و ندای آزادی خواهی و استقلال طلبی خود را ابتدا به شکل شورش و سپس تظاهرات و در آخرین مرحله به شکل مبارزه مسلحانه به گوش انگلیسی‌ها و حکام دست‌نشانده رساندند و در نهایت با جان‌فشانی در میدان نبرد توانستند طعم شیرین استقلال و آزادی را بچشند. بر همین اساس، این نتیجه حاصل می‌شود که اگر ملت مصر اقدام به مقاومت نمی‌کردند هرگز موفق به تحقق خواسته خود نمی‌شدند؛ زیرا انگلیسی‌ها و حکام دست‌نشانده، وجدان بیدار و گوش شنوایی نداشتند که بتوانند فریاد حق طلبی آنان را بشنوند و حقوقشان را بدون توسل به مقاومت به رسمیت بشناسند.

- ویژگی‌های پایمردان مصری از قبیل: ایمان، میهن دوستی، اصرار و اتحاد نقش بسزایی در محقق شدن نتایج مقاومت داشت. با این اوصاف مشخص می‌شود که نتیجه‌بخش بودن هر مقاومتی مستلزم برخورداری مقاومتان از چنین صفاتی است که روحیه ایستادگی و پایداری

را در وجود آن‌ها تقویت کند، در غیر این صورت، مقاومت به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.

یادداشت‌ها

۱- نجیب الکیلانی، نویسنده اسلامی معاصر مصری است که به سال (۱۹۳۱م) در روستای «شرشابه» از توابع مرکز زفتی در غرب مصر دیده به جهان گشود. در آغاز ورود به مرحله دبیرستان با حزب اخوان المسلمان آشنا شد و سپس به عضویت این حزب درآمد. (الکیلانی، ۱۹۸۷م: ج ۱/ ۱۰۹) الکیلانی به دلیل عضویتش در حزب مذکور برای دو بار در سال‌های (۱۹۵۵ و ۱۹۶۵) بازداشت شد و مدتی از عمرش را در زندان سپری کرد. (همان: ج ۲/ ۲۰) دوران اقامت او در زندان، فرصت مناسبی برای فعالیت‌های ادبی‌اش فراهم آورد. (نادی المدینه المنوره الادبی، ۱۹۵۵م: ج ۱/ ۵۴-۵۳) وی پس از آزادی در سال (۱۹۶۸م) مصر را به قصد کشورهای خلیج، ترک کرد که این سفر بیست سال به طول انجامید. (الکیلانی، ۱۹۸۵م: ۳۹-۳۱) الکیلانی پس از گذراندن عمری پربار در سال (۱۹۹۲م) به مصر بازگشت؛ هر چند که فکر نگارش بیش از سی رمان اسلامی را در سر می‌پروراند در سال (۱۹۹۵م) به دیار باقی شتافت. (الکیلانی، ۲۰۰۷: ۱۰-۹)

فهرست منابع

- ۱- آئینه‌وند، صادق. (۱۳۷۰). «ادبیات مقاومت». کیهان فرهنگی، شماره ۷۹.
- ۲- بصیری، محمدصادق. (۱۳۸۸). سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی. کرمان: شهید باهنر کرمان.
- ۳- چهرقانی بزچلویی، رضا. (بی‌تا). «درنگی در نظریه ادبیات متعهد و پایداری». حوزه هنری، شماره ۵، arthamadan.ir.
- ۴- رحمان دوست، مصطفی. (۱۳۷۹). «رمان مقاومت، منابع، مضامین و بایدها». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۵۶.
- ۵- سنگری، محمدرضا. (بی‌تا). ادبیات پایداری. تهران: سوره مهر.

- ۶- الكيلانى، نجيب. (۱۹۸۵). **رحلتى مع الادب الاسلامى**، چاپ اول. بيروت: مؤسسه الرساله.
- ۷- _____ (۱۹۸۷). **لمحات من حياتى**. بيروت: مؤسسه الرساله.
- ۸- _____ (۱۹۸۸). **الطريق الطويل**. چاپ پنجم. بيروت: مؤسسه الرساله.
- ۹- الكيلانى، جلال. (۲۰۰۷). **حوار قبل الرحيل**. <http://alkattan.jeeran>
- ۱۰- نادى المدينه المنوره الادبى. (۱۹۵۵). **دراسات فى الادب الاسلامى**. جلد ۵. بی جا: بی نا.
- ۱۱- نجم، السيد. (بی تا). **ادب المقاومه**. المعهد العربى للبحوث و الدراسات الاستراتيجيه.
- www.airssforum.com